خبر

بررسی «سینمای محرم و عاشورا» در موزه سینما

به مناسبت فرارسیدن اربعین حسینی، نشست بررسی «سینمای محرم و عاشورا» با حضور تعدادی از سینماگران در موزه سینما برگزار شد. این نشست با حضور حسن جلایر تهیه‌کننده سینما، داریوش یاری کارگردان سینما، سعید الهی تهیه‌کننده و کارشناس فرهنگی و... به میزبانی مجید اسماعیلی، مدیرعامل موزه سینما همراه بود. مجید اسماعیلی در ابتدای این نشست گفت: اگر کشوری بخواهد به سمت حل بحران‌های اجتماعی حرکت کند، ناگزیر است تا بر داشته‌های خود تکیه کند و جامعه ایرانی از ظرفیت بزرگ اسلام تشیع بهره‌مند است و موضوع سیدالشهدا(ع) می‌تواند عصاره اسلام ناب به‌شمار رود. داریوش یاری، نویسنده و کارگردان سینما نیز گفت: از دورانی در تاریخ این کشور یک طیف با اندیشه به خصوصی، فکر کردند که باید این واقعه را تعریف کنند و به خود اجازه می‌دهند تا خود به روایت این واقعه بپردازند و به همین دلیل یک سینماگر را بنا به مصلحت‌هایی تحت فشار قرار می‌دهند. حسن جلایر، تهیه‌کننده فیلم «سفیر» نیز گفت: مسئولان مربوطه باید از فرهنگ دینی و حقیقت عاشورا کاملا آگاهی داشته باشند تا بتوانند موضوع را پرورش دهند. امام حسین(ع) فردی ظلم‌ستیز بودند و یک هنرمند باید نقطه شروع خود را تسلط بر تاریخ دین قرار دهد. جلایر در پایان این نشست یادآور شد: افرادی که قصد انجام کار فرهنگی دارند، باید شایسته این مقام نیز باشند.



نقدروز

تکثیر نافرجام عشق در گلدانی خشکیده



سیدمحمد سلیمانی
گروه فرهنگ و هنر

«در جهنم باران نمی‌بارد» روایتی نمادین و بی‌زمان و مکان از درگیری آحاد جامعه انسانی با پدیده جنگ بوده و نگاه تجربی فیلمساز بر کنار هم قرار دادن برش‌هایی از زندگی آدم‌هایی با خاستگاه‌های مختلف جنسیتی، اعتقادی و اجتماعی متمرکز است. زهراشاه‌حاتمی روایت ضدجنگ موردنظرش را که سرشار از تلخی و نگاه غمگنانه به سرنوشت انسان‌هایی در موقعیت‌های مختلف زیستی است، بااستفاده از ابزارهای مختلفی که سینما در اختیارش قرار داده در برابر نگاه و قضاوت مخاطبانی به گستردگی مردم سراسر جهان قرار می‌دهد. فیلم، به‌نوعی ادای دین به هنرهای دیگر از جمله نقاشی و مجسمه‌سازی است و از نیمه به بعد شاید بتوان آن را به‌نوعی متاثر از تابلوی معروف «گورنیکا» اثر پیکاسو دانست که دوربین فیلمساز در جایی از مقابل آن عبور می‌کند. گویی زندگی هرکدام از شخصیت‌های معرفی‌شده در سراسر اثر، تابلویی است با غلبه رنگ‌ها و نورهای تیره و خاکستری متأثر از فضای جنگ‌زده محیط که درنهایت هرکدام پازلی دیدنی و به‌یادماندنی ولی تلخ و گزنده از واقعیت‌های جنگ را تکمیل می‌کنند.



باغبان پیری که خاطرات عشقی قدیمی را با خود دارد و گویی آنها را در گلدان‌های خشکیده‌اش تکثیر می‌کند، زنی مصیبت‌دیده که لباس‌های سوراخ‌سوراخ و خونین سربازان را می‌شوید و کهنه‌سربازی که راوی گذشته تلخ و پرمحنت از جنگ و کشتاری بی‌حاصل است. روشنفکری که هنوز با کتاب‌هایش روزگار می‌گذراند و نوجوانی به‌عنوان نماد نسل جدید همنشین اوست و عشقی پا نگرفته که همچون غنچه‌ای تازه به‌گل‌نشسته پرپر می‌شود و سرانجام حضور سایه‌وار دشمنی که کاری جز تجاوز و کشتار ندارد. فیلمساز بیش از هر چیز با تکیه بر طراحی صحنه و لباس و چهره‌پردازی سعی در ایجاد فضایی ملموس و قابل‌باور از زیست انسان‌ها در موقعیت‌هایی دارد که هرکدام نماد بخشی از اثرات مخرب جنگ بدون به تصویرکشیدن ویرانی‌ها و کشتار سهمگین هستند. همه آنچه که از جنگ دیده و شنیده می‌شود، لباس‌های خونین سربازان و افکت‌های صوتی انفجار در دور و نزدیک است. تجلی نگاه تجربی شاه‌حاتمی به فضاسازی و شخصیت‌پردازی فیلمی ضدجنگ، ایجاد موقعیت‌های نمایشی در قاب‌هایی است که هرکدام به پرده‌ای از نمایشی تراژیک می‌مانند و در جاهایی مثل حضور کهنه‌سرباز بر بالای پیکر بی‌جان سگی معلول، با نورپردازی و طراحی صحنه به‌وضوح صحنه‌نمایش را تداعی می‌کند. دلمشغولی‌های نمایشی فیلمساز در پیوند با قابلیت‌های تصویرسازی سینمایی به کمک طراحی صحنه و لباس به‌ویژه در نیمه دوم اثر که مرگ، چهره تلخ و عبوسش را در قالب مراسم مختلف تدفین به ذهن مخاطبان تحمیل می‌کند، تلاشی فکرشده و موثر برای ایجاد پیوندی عمیق بین ادبیات نمایشی متکی بر گفت‌وگوی شخصیت‌ها و قابلیت‌های تصویری سینما به‌منظور ایجاد فضاهای نمایشی برای روایت سرگذشت انسان‌های درگیر جنگ است. نگاه کنید به سکانس تدفین پیرمرد عاشق و ریخته‌شدن خاک روی پیکری که گویی رفته‌رفته مسخ می‌شود و تغییر ماهیت می‌دهد. ایجاد ضرباهنگ متفاوت و متناسب با مضمون اثر به کمک تاکید روی نزدیک‌تر شدن سرنوشت نهایی شخصیت‌ها همزمان با ورود دشمن به شهر، محصول تلاش تجربی موفق فیلمساز برای استفاده از قابلیت‌های دراماتیک موضوع عشق است. عشقی که فراتر از نگاه بدبینانه زن یا مادر به حضور مردان در زندگی زنان، در حالی که می‌رود تا موقعیتی به‌یادماندنی را برای عشاق جوان رقم بزند با چهره کریه تجاوز، خدشه‌دار می‌شود و این، آغاز انحطاطی است که هیولای جنگ آن را نهادینه می‌کند.

عاشقانه‌ای در کشاکش نبرد با تکفیری‌ها!

فیلم «قلب رقه» به عنوان یک فیلم در گونه حادثه‌ای - جاسوسی محصولی موفق در عرصه جنگ روایت‌هاست



امیرحسین حیدری
گروه فرهنگ و هنر

فیلم قلب رقه جدیدترین اثر سینمایی ایران است که به موضوع مقابله ایران با پدیده‌ای به نام دولت اسلامی عراق و شام (داعش) می‌پردازد. فیلمی در گونه اکشن جاسوسی که سعی کرده درکنار وفاداری به چهارچوب‌های جهانی این ژانر آن را اصطلاحا بومی کرده و بازتعریف کند، اما فارغ از این‌که این فیلم چقدر در روایت داستان خود موفق عمل کرده است تولید آن به خودی خود اهمیت فراوانی دارد از آن جهت که این نوع از فیلم‌ها با تصویری که از کشور به نمایش می‌گذارند می‌تواند به معرفی ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای کمک زیادی کند زیرا جهان امروز، جهان تصویرهاست و سینما در صف اول ساخت باورهای جهانی قرار دارد.

عاشقانه‌ای با درونمایه جاسوسی

قلب رقه فیلمی در گونه اکشن جاسوسی است، وقتی این اسم (اکشن جاسوسی) به گوش‌تان می‌خورد ناخودآگاه چه المان‌هایی در پس ذهن‌تان نقش می‌بندد؟ انجام عملیات‌های محیرالعقول؟ نفوذ؟ عشق؟ بله تمام این شاخص‌ها و کلی شاخص دیگر مواردی هستند که چهارچوب‌های این گونه سینمایی را می‌سازد و فیلم قلب رقه هم این شاخصه‌ها را در خود دارد و دلیل موفقیت این فیلم از نظر موقعیت‌های اکشن رعایت همین چهارچوب‌های ژانری است.

یکی از دلایل عمده این موفقیت از آنجا ناشی می‌شود که خیرا... تقیانی‌پور، کارگردان فیلم برای تولید این اثر به جای استفاده از دکورها و مکان‌های شبیه‌سازی شده در کشور، فیلم خود را در قلب شهر رقه در کشور سوریه فیلمبرداری کرده است و این کار باعث شده تا تمام مکان‌ها و سکانس‌های اکشنی که در فیلم به کار رفته است همگی بویی از واقعیت داشته باشند.

اما بخش جدانشدنی فیلم‌هایی در این ژانر وجود خرده روایت‌های عاشقانه است که همپا با موقعیت‌های اکشن فیلم رشد می‌کند و گویی وظیفه‌اش رقیق کردن صحنه‌های خشن این فیلم‌هاست.

اینجاست که داستان فیلم با همین روایت عاشقانه و از بیمارستان شهر رقه آغاز می‌شود. در واقع خرده روایت رمانتیک فیلم قلب رقه آن‌قدر برجسته شده است که بر بخش اکشن فیلم سایه می‌اندازد و فیلم تبدیل به عاشقانه‌ای می‌شود که در بستر جاسوسی روایت می‌شود.

منطق و داستان

تاکید بیش از اندازه بر داستان عاشقانه فیلم موجب شده در بخش‌هایی با بی‌منطقی روایت روبه‌رو باشیم. در فیلم قلب رقه این موارد را می‌توان از ناهماهنگی عناصر مختلف فیلم ناشی از شخصیت‌پردازی و روایت داستان دانست. به عنوان مثال مهم‌ترین اتفاق فیلم که می‌توان گفت نقطه شروعی برای یک سوم پایانی فیلم است در موقعیتی عجیب اتفاق می‌افتد. در حالی که ریما (شادی مختاری) در آمبولانسی نشسته و در ایست بازرسی داعش است راننده پیاده می‌شود و سیدرضا (شهرام حقیقت‌دوست) مامور نفوذی ایرانی در گروه داعش در کمال بی‌احتیاط وارد آمبولانس می‌شود تا با همسرش صحبت کند که در همین حین یک نفر با موبایل عکسی از آن دو می‌گیرد و برای ابوعصام (عبدالرضا نصاری) ضدقهرمان داستان می‌فرستد!.

این فیلم که در صحنه‌های اکشن و جنگی توانسته تصویری قابل قبول ارائه کند اما رویکرد بیش از اندازه‌اش به روایت عاشقانه موجب شده تا در سکانس‌هایی روایت از منطق خارج شود.

کهن‌الگوهای سینمای اکشن

در فیلم‌هایی که در سبک اکشن جاسوسی ساخته می‌شوند، کاراکترها و شخصیت‌پردازی اهمیت بالایی دارد، چون در این گونه آثار الگوهای تکرار شونده‌ای چون دو کهن الگوی قهرمان و ضد قهرمان حضور دارند که با وجود شخصیت مستقلی که دارند اما رابطه‌ای تنگاتنگ هم با یکدیگر دارند که باید از نظر هوش و قدرت و ... در یک سطح باشند. در غیر این صورت نتیجه به دست آمده غیرواقعی و کاریکاتوری می‌شود.

قلب رقه در شخصیت‌پردازی مستقل قهرمان و ضد قهرمان خود و حلقه ارتباطی این دو که همان ریما است موفق عمل کرده است و تا حدودی می‌توان کهن الگوها را در این فیلم تشخیص داد که البته مشخص است چنین چیزی برخاسته از انتخاب آگاهانه کارگردان بوده تا یکی از ویژگی‌های این سبک سینمایی را به قوتی برای فیلم خود بدل کند.

فیلم قلب رقه از آن دست فیلم‌هایی است که جای خالی‌اش در سینما احساس می‌شد و فیلم مناسبی است برای همه به‌ویژه نوجوانان عاشق سینمای اکشن و جاسوسی تا اثری را ببینند که قهرمانش یک ایرانی است

این فیلم در روایت داستان خود به گذشته سیدرضا و ابوعصام اشاره می‌کند تا عمق بیشتری به این شخصیت‌ها بدهد.

جای خالی حاج قاسم

آقا مرتضی با بازی فرهاد قائمیان دیگر کاراکتری است که حضورش در قلب رقه از دو جهت اهمیت دارد، اهمیت اول به نقش او بر می‌گردد که در نظام کهن‌الگوها از او به نام مرشد یا راهنما یاد می‌شود و اهمیت دوم این نقش به دلیل شباهت فرهاد قائمیان در فیلم به حاج قاسم سلیمانی است که طراحی لباس مخصوصا چفیه‌ای که آقا مرتضی به سر خود بسته است بیشتر از قبل به این شباهت دامن زده است. نکته عجیبی که درباره شخصیت حاج قاسم در سینمای ایران وجود دارد این است که تاکنون فیلمسازی به بازنمایی این شخصیت در فیلم خود نپرداخته و فقط در فیلم احمد است که آن هم به دلیل عجیبی حاج قاسم در آن فیلم حذف شده است. در صورتی که ماندگار کردن شخصیتی مانند شهید حاج قاسم سلیمانی در قاب تصویر نیازمند تکرار و بازتولید این شخصیت در موقعیت‌ها و فیلم‌های گوناگون هستیم.

قهرمان ایرانی

اگر بخواهیم یک بررسی کلی بر فیلم قلب رقه داشته باشیم باید بگویم که این فیلم از بعد فنی و اکشن جزو فیلم‌های بسیار خوب سال‌های اخیر سینمای ایران به حساب می‌آید و توانسته با ریزه‌کاری‌هایی این نکات را برجسته کند. ریزه‌کاری‌هایی مثل فارسی نبودن دیالوگ کاراکترهای غیر ایرانی، سکانس‌های تعقیب و گریز و سکانس اعدامی که در فیلم گنجانده شده که به نظر یکی از سکانس‌های خوب فیلم است که توانسته است آنچه که گروه تکفیری داعش به آن شناخته می‌شود را به تصویر بکشد در حالی که برای تماشاگران آزاردهنده نباشد.

همچنین بازی‌های فیلم نیز قابل قبول هستند به‌ویژه شادی مختاری که در اولین تجربه سینمایی‌اش توانسته از پس لهجه عربی کاراکتر به خوبی بر بیاید. در مقابل وقتی داستان‌های عاشقانه به صحنه‌های اکشن فیلم اضافه می‌شود به مراتب کیفیت کار کمی افت می‌کند که پیش از این مفصل به آن پرداخته شد.

خلاصه این‌که فیلم قلب رقه از آن دست فیلم‌هایی است که جای خالی‌اش در سینما احساس می‌شود و فیلم مناسبی است برای همه به‌ویژه نوجوانان عاشق سینمای اکشن و جاسوسی تا اثری را ببینند که قهرمانش یک ایرانی است.

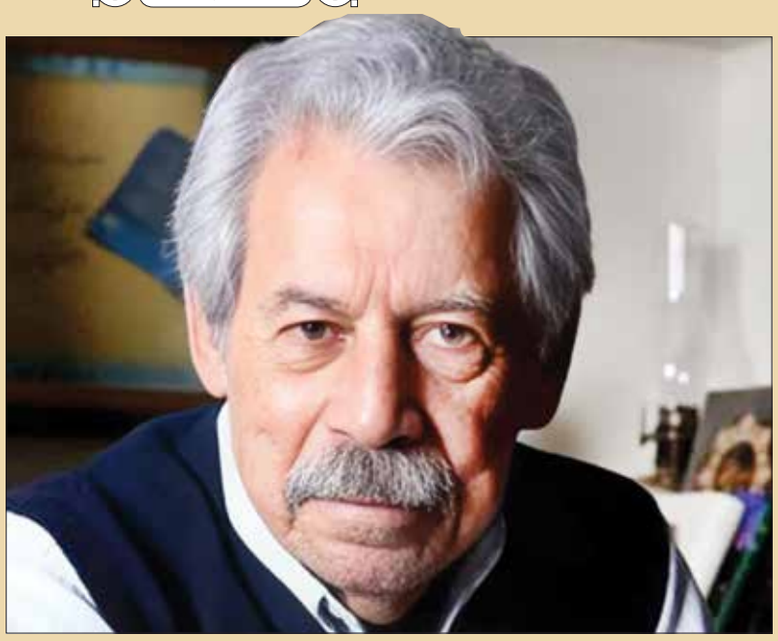
برش

کم‌کاری در ارائه روایت‌ها

سینما از ابتدا که به عنوان یک صنعت شناخته شد در کنار عنصر سرگرمی، وظیفه مهم روایت‌گری را هم بر عهده گرفت روایت‌گر تاریخ، مذهب و جنگ. اما نکته مهم این روایت‌گری‌ها این بود که لزوما به آنچه واقعا اتفاق افتاده وفادار نیست و می‌تواند برداشت خود را از واقعیت داشته باشد. سینمای هر کشور روایت خود را از یک واقعه واحد روایت می‌کند. در چند سال اخیر که سایه جنگ در نقاط مختلف جهان گسترده شده است جنگ روایت‌ها هم شدت گرفته اما سینمای ایران بر خلاف آنچه در میدان انجام می‌دهد آنچنان که باید و شاید در سینما فعالیت نکرده و به عنوان یکی از بازیگران اصلی این رویدادها روایت خود را از رویدادهای منطقه‌ای و بین‌المللی ارائه نکرده است. فیلم‌هایی مانند قلب رقه می‌توانند این نوع از روایت‌گری را بر عهده بگیرند. به همین دلیل ساخت چنین فیلم‌هایی البته با کیفیت بسیار بالاتر باید بیشتر از قبل مورد توجه قرار گیرد و زمینه اکران بین‌المللی‌اش فراهم شود تا روایت ایران از رخدادهای منطقه‌ای و بین‌المللی به خارج از مرزها هم برسد.



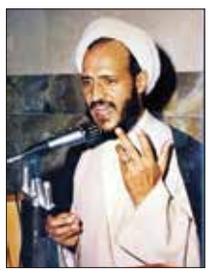
قاب



مردی از نسل یکتای بازیگری

امروز پنجم شهریورماه هشتمین سالگرد از دست دادن استاد فقید تئاتر، سینما و تلویزیون داوود رشیدی است. او در کنار استادانی چون عزتا... انتظامی، علی نصیریان، محمدعلی کشاورز و جمشید مشایخی نسلی تکرارنشدنی را در سینما رقم زدند که هنوز هم یاد و نام خوب و منش اخلاق حرفه‌ای‌شان زبانزد است. زنده‌یاد داوود رشیدی در کنار کارهایی درخشانی که در آن به هنرنمایی پرداخته، در آثاری چون خانه عنکبوت، قدغن، جایزه و ملاقات با طوطی با علیرضا داوودنژاد همکاری داشته است.

سینما حقیقت



ساخت مستند «شهید حقانی»

مستند «شهید حقانی» به تهیه‌کنندگی داوود مرادیان درباره این شهید ساخته می‌شود. مرادیان درباره مستند شهید حقانی گفت: به پیشنهاد غلامحسین حقانی پسر شهید حقانی که مدیرکل سازمان تبلیغات هرمزگان هستند، کارگردانی این مستند به سعید عبدلی‌زاده که مستند «کرانه» را هم ساخته بودند، داده شد.

آقای عبدلی‌زاده از مسئولان حوزه هنری هستند، باتوجه به این‌که از محافظان شهید بودند، اشراف خوبی نسبت به موضوع دارند. وی افزود: زمانی که ساخت چنین مستندی مصوب شد، قرار شد که کارگردانی آن را برعهده بگیرم و آن را بسازم، ولی دیدم که سعید عبدلی‌زاده از من جلوتر بود و کار تحقیق و پژوهش را شروع کرده و به خاطر همین به‌عنوان تهیه‌کننده در کنار این مستند ماندم و قرار شد کارگردانی کار را آقای عبدلی‌زاده پیش ببرند. این تهیه‌کننده و کارگردان درباره روند تولید این مستند توضیح داد: تاکنون نزدیک به ۴۰ درصد کار پیش رفته و مدتی به خاطر محرم و اربعین متوقف شد، ولی بعد از اربعین به امید خدا دوباره مسیر خود را طی خواهد کرد. در مستند شهید حقانی با چهره‌های مختلفی از محافظان و سیاسیون که در آن مقطع در هرمزگان حضور داشتند، مصاحبه شده و خواهد شد.

اکران



«سرآغاز» روی پرده می‌رود

فیلم سینمایی «سرآغاز» به کارگردانی سعید حسینی و تهیه‌کنندگی شهاب کاظمی به‌زودی در سینماهای ایران اکران می‌شود. سرآغاز از جمله آثار آوانگارد سینمای ایران است که بناست در گروه هنروتجربه اکران شود. در خلاصه داستان سرآغاز چنین آمده: در بحبوحه لحظاتی که همه چیز را آرمانی و رویایی می‌بینیم به ناگاه اتفاقاتی می‌افتد که انگار ما را به گذشته یا آینده یا شاید هم دنیایی موازی پرت می‌کند که باز باید از نو آغاز کنیم.... قرار است این فیلم بعد از مدتی اکران در سینماها از طریق بسترهای نمایش فیلم، اکران آنلاین نیز بشود. به گفته شهاب کاظمی، جنس فیلم سرآغاز از جنس فیلم ماندگاری مثل غریبه و مه، گزارش، شطرنج باد و ساکن طبقه وسط است؛ آثاری دیرپاب که فرصتی برای کشف و شهود در هربار تماشا برای مخاطب فراهم می‌کند. سجادمحبی، سمانه پرتوی، مهشید شریفی، علی ضمیری، مریم کیانی‌زاده، علی فراستی و... از جمله بازیگران این فیلم هستند و جانشین تهیه‌کننده آن حامد مظفری مدیر فیلمبرداری، محمد ثریا صدابردار، آهنگساز آن رستاراوجی و تدوینگر فیلم نیز حمید ملیحی هستند.